

به نام خدا

# قصه‌های پندآموز برای کودکان - ۸

# موش دانا

بازنویسته‌ی ژاله راستانی

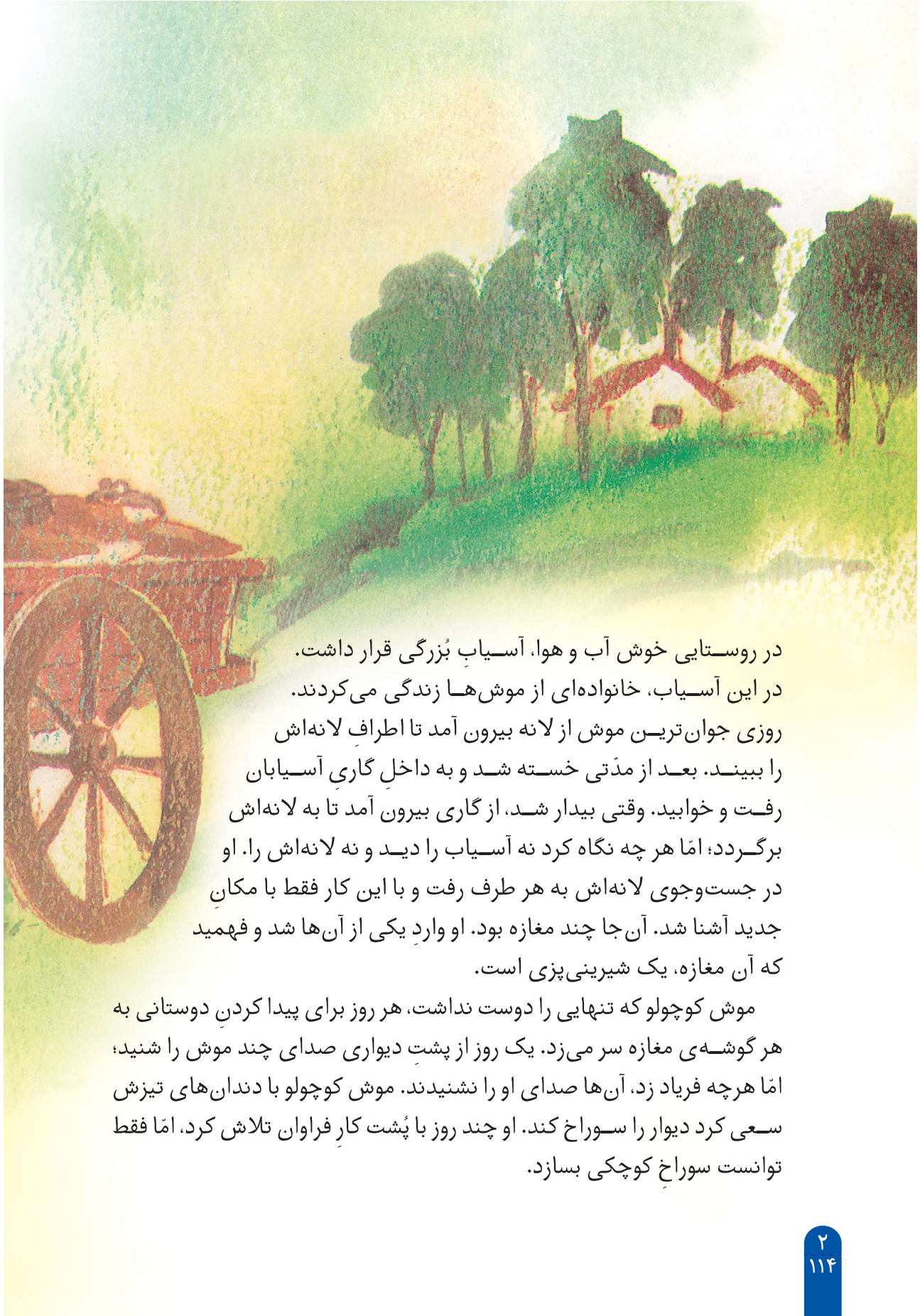
مهارت‌های زندگی  
(تربیتی-اخلاقی)



<p>ناشر پیشرو در انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی برای مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها</p>	<p>واحد کودک و نوجوان موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر</p>	<p>کتاب‌های قاصدک</p>	<p>این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش، مناسب و مرتبط با برنامه‌های درسی دوره‌ی آموزش ابتدایی دانسته شده است.</p>
<p>دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه همکف واحد ۱ تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳ • کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷ سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۶۳ • www.zekr.co • @ghasedakbooks</p>			

- |  |  |
|--|--|
| سرشناسه                                | • موش دانا                             |
| عنوان و نام پدیدآور                    | • بازنویسته‌ی ژاله راستانی             |
| پرچهر همایون‌روز؛ تصویرگر جاگدیش جوشی. | • مترجم: پرچهر همایون‌روز              |
| تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.            | • تصویرگر: جگدیش جوشی                  |
| ۱۶ص: مصور (رنگی).                      | • مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان  |
| قصه‌های پندآموز برای کودکان            | • صفحه‌آرایی: آتلیه پاراگراف           |
| ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۶۶۲-۷                      | • تیراز: ۱۵۰۰ جلد • چاپ پنجم: ۱۳۹۸     |
| وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا                | • لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۳/۵۹۹         |
| عنوان اصلی: who will bell the cat      | • شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۶۶۲-۷              |
| گروه سنی: ب، ج.                        | • شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۰۵-۱         |
| موش‌ها -- داستان                       | • کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای  |
| داستان‌های اخلاقی                      | • موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است. |
| همایون‌روز، پرچهر، ۱۳۵۰- مترجم         | • قیمت: ۷۰۰۰ تومان                     |
| ۱۳۹۳ م ۱۸۸/۳۲، ۵۹۹/۳۲                  |  |
| شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۵۷۳۸           |  |

چاپ پنجم



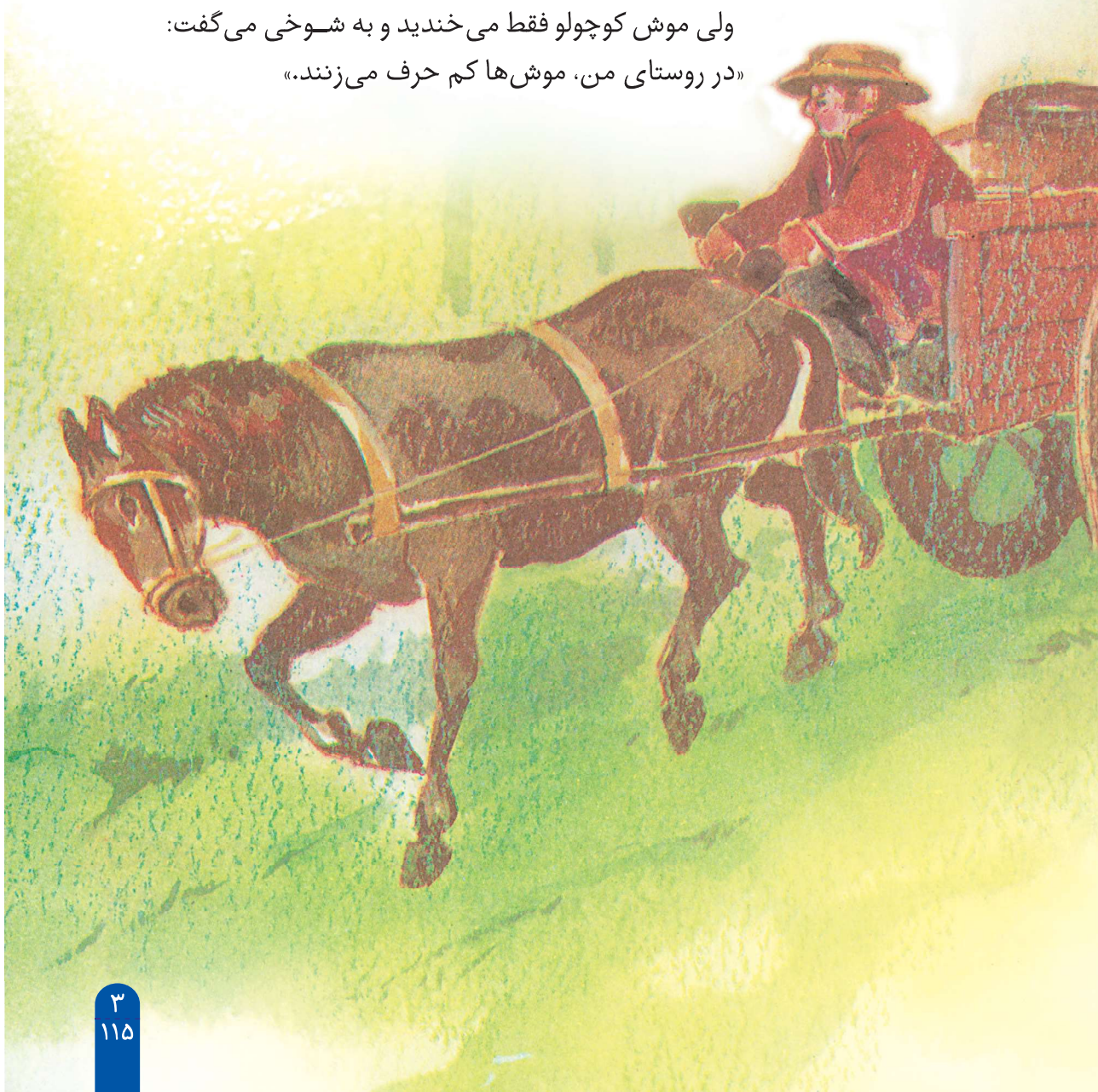
در روستایی خوش آب و هوا، آسیاب بزرگی قرار داشت. در این آسیاب، خانواده‌ای از موش‌ها زندگی می‌کردند. روزی جوان‌ترین موش از لانه بیرون آمد تا اطراف لانه‌اش را ببیند. بعد از مدتی خسته شد و به داخل گاری آسیابان رفت و خوابید. وقتی بیدار شد، از گاری بیرون آمد تا به لانه‌اش برگردد؛ اما هر چه نگاه کرد نه آسیاب را دید و نه لانه‌اش را. او در جست‌وجوی لانه‌اش به هر طرف رفت و با این کار فقط با مکان جدید آشنا شد. آن جا چند مغازه بود. او وارد یکی از آن‌ها شد و فهمید که آن مغازه، یک شیرینی‌پزی است.

موش کوچولو که تنهایی را دوست نداشت، هر روز برای پیدا کردن دوستانی به هر گوشه‌ی مغازه سر می‌زد. یک روز از پشت دیواری صدای چند موش را شنید؛ اما هرچه فریاد زد، آن‌ها صدای او را نشنیدند. موش کوچولو با دندان‌های تیزش سعی کرد دیوار را سوراخ کند. او چند روز با پشت کار فراوان تلاش کرد، اما فقط توانست سوراخ کوچکی بسازد.

یک روز موش کوچولو سرگردان در مغازه‌ی شیرینی‌پزی می‌گشت که چشمش به یکی از پنجره‌ها که باز بود، افتاد. او به سرعت از پنجره بیرون رفت و از روی دیوار خود را به مغازه‌ی کناری رساند. آن‌جا، نانواپی بود.

موش کوچولو در نانواپی با موش‌های دیگر دوست شد. او همیشه به حرف‌های آن‌ها گوش می‌داد و خودش کم حرف می‌زد؛ چون می‌خواست بیش‌تر یاد بگیرد. دوستان جدیدش خیلی دوست داشتند که موش کوچولو هم مثل آن‌ها درباه‌ی همه چیز صحبت کند. همیشه به او می‌گفتند: «تو هم حرفی بزنی!»

ولی موش کوچولو فقط می‌خندید و به شوخی می‌گفت:  
«در روستای من، موش‌ها کم حرف می‌زنند.»





آن موش‌ها فکر می‌کردند که موش کوچولو نادان است و حرفی برای گفتن ندارد.

یک روز، اتفاقی افتاد که همه‌ی موش‌ها از شنیدن آن از ترس لرزیدند.

یکی از موش‌ها وحشت‌زده خبر آورد که: «نانوا یک  
گره خریده است.»

